

گزارش

شعبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پنجاه و هفتمین کنفرانس ایفلا و هیجدهمین اجلاس رؤسای کتابخانه‌های ملی مسکو - ۱۹۹۱

نوشته بوری سلطانی^۱

چکیده: علاوه بر تاریخچه مختصر ایفلا به طور کلی و رابطه ایران با ایفلا به طور خاص، در این مقاله در باره دو کنفرانس مطالسی می‌خوانید. ۱) کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی که در ۱۶ اوت ۱۹۹۱ در مسکو برگزار شد و مباحث زیر در آن مطرح شد: کتابخانه‌های دولتی، یاد مصیبت‌های وارد شده بر کتابخانه‌ها، کوپن امانت بین‌المللی بین کتابخانه و قانون و اسبابی برای انتشارات الکترونیکی. همچنین گزارش‌هایی در مورد برنامه‌های اصلی ایفلا و کنفرانس منطقه‌ای رؤسای کتابخانه‌های ملی. ۲) کنفرانس عمومی ایفلا در مسکو که افتتاح آن مقارن بود با کودتای اخیر روسیه شوروی. با توجه به زمینه موضوعی کنفرانس: ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و فرهنگ مقاله گزارش روزبه‌روزی از ۱۷ تا ۲۳ اوت از کنفرانس و تأثیر کودتا بر آن ارائه می‌دهد.

پرتال جامع علوم انسانی

تاریخچه مختصری از ایفلا به عنوان مقدمه

فدراسیون بین‌المللی انجمنها و مؤسسات کتابداری (ایفلا) در حال حاضر دارای ۱۵۲ عضو پیوسته از انجمنهای کتابداری و ۹۱۱ عضو وابسته از کتابخانه‌ها و ۱۷۸ عضو وابسته شخصی است. علاوه بر این ۱۵ نهاد فرهنگی در مقام مشاور با ایفلا همکاری نزدیک دارند.

ایفلا در سال ۱۹۲۷ در ادینبورگ پایه‌گذاری شد. هدف از تشکیل این انجمن ایجاد محفلی بود برای تبادل آرای کتابداران، گسترش همکاری‌های بین‌المللی، پژوهش و پیشبرد فعالیتهای کتابداری در تمام زمینه‌ها از جمله کتابشناسی، اطلاع‌رسانی و تربیت کارمندان، و نیز ایجاد محفلی که از طریق آن بتوان حرفه کتابداری را به جهانیان عرضه کرد.

ایفلا سازمانی است مستقل، بین‌المللی و غیردولتی که دفتر مرکزی آن در شهر هیگ هلند است. ایفلا عضو پیوسته یونسکو و شورای بین‌المللی اتحادیه‌های علمی^۲ و جزو مشاوران درجه یک آنهاست. ایفلا در جلسات سازمان جهانی میراث فکری^۳ و سازمان بین‌المللی استاندارد^۴ به عنوان ناظر شرکت دارد.

فعالتهای ایفلا از طریق دو واحد انجام می‌پذیرد:

۱. گروه متخصصان شامل ۳۲ بخش و ۱۱ میزگرد که ذیل ۸ شاخه که انواع کتابخانه‌ها و فعالیتهای کتابخانه‌ای را دربرمی‌گیرد، انجام وظیفه می‌نماید.

۲. چهار برنامه اصلی که فعالیتهای آن بر تمامی انواع کتابخانه‌ها و استفاده‌کنندگان از کتابخانه‌ها اشراف دارد به اضافه برنامه پنجمی که به پیشرفت کتابداری در جهان سوم اختصاص دارد.

سیاستگذاری ایفلا به وسیله یک هیأت اجرایی^۵ که انتخابی است انجام می‌پذیرد. برنامه‌های حرفه‌ای و تخصصی آن به وسیله هیأت متخصصان^۶ بررسی می‌شود. و مدیریت برنامه‌ها^۷ امور برنامه‌های پنجگانه را اداره می‌کند. این

2. International Council of Scientific Unions

3. Intellectual Property Organization

4. International Organization for Standardizations

5. Executive Board

6. Professional Board

7. Programme Management

برنامهها عبارتند از:

۱. دسترسی جهانی به انتشارات (UAP)
۲. کنترل کتابشناختی جهانی و مارک بین‌المللی (UBCIM)
۳. حفاظت و نگهداری (PAC)
۴. انتقال جهانی دادهها و ارتباط از راه دور (UDT)
۵. پیشبرد کتابداری در جهان سوم (ALP) ^۸

چند دفتر منطقه‌ای کار دفتر مرکزی ایفلا در هیگ (Hague) را پیگیری و دنبال می‌کنند. از آنجمله است دفترهای منطقه‌ای مستقر در بانکوک و داکار و نیز فرانکفورت (برای UBCIM) و انگلستان (برای UAP)، و اوتاوا (برای UDT)، و واشنگتن (برای PAC) و نیز دفترهای وابسته به PAC در سابله، لاپیزیک، کاراکاس، توکیو و کنبرا.

امور مالی ایفلا از طریق حق عضویت اعضا اداره می‌شود. علاوه بر این یونسکو، شورای ملی کتابداری و اطلاع‌رسانی آمریکا^۹، آژانس بین‌المللی توسعه در کانادا^{۱۰}، بنیاد توسعه بین‌المللی آلمان^{۱۱}، مرکز بین‌المللی پژوهش توسعه در کانادا^{۱۲}، واحد توسعه بین‌المللی سوئد^{۱۳} و بیش از پانزده کتابخانه ملی از سراسر جهان، برنامه‌های حرفه‌ای و تخصصی ایفلا را از نظر مالی حمایت می‌کنند.

کنفرانس سالانه ایفلا هر بار در یکی از شهرهای مختلف جهان برگزار

۸. برای اطلاع بیشتر از برنامه‌های اصلی ایفلا نگاه کنید به:

اصطلاحنامه کتابداری. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵.

9. National Commission for Libraries and Information Science

10. Canadian International Development Agency (CIDA)

11. German Foundation for International Development (DSE)

12. International Development Research Centre, Canada (IDRC)

13. Swedish International Development Authority (SIDA)

می‌شود. کشور میزبان با همکاری دفتر مرکزی ایفلا، مسؤول کلیه تدارکات از قبیل نمایشگاهها، مهمانیها و برنامههای فرهنگی، گشتها و بازدیدها، جلسات همگانی و غیره است. در سال آینده ایفلا در هند برگزار خواهد شد و سپس به ترتیب در بارسلون (۱۹۹۳)؛ کوبا (۱۹۹۴)؛ ترکیه (۱۹۹۵).

ایفلا و ایران

برای اولین بار رئیس وقت مرکز خدمات کتابداری در سال ۱۳۴۸ در کنفرانس سالانه ایفلا که در دانمارک برگزار می‌شد شرکت کرد و همانسال نیز مرکز خدمات کتابداری به عضویت ایفلا درآمد. انجمن کتابداران ایران در سال ۱۳۴۹ به عضویت ایفلا درآمد^{۱۱} و از آن سال به بعد مرتباً نمایندگان مرکز خدمات کتابداری و انجمن کتابداران ایران در اجلاس سالانه ایفلا شرکت می‌کردند. طبق قانون ایفلا، انجمن کتابداران ایران عضو پیوسته و مرکز خدمات کتابداری جزو اعضای وابسته بود. به تدریج که ایفلا در ایران شناخته شد سازمانهای دیگری نیز به عضویت آن درآمدند. از جمله کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گروه کتابداری دانشگاه تهران و شیراز. پس از ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، طی نامه‌ای از ایفلا تقاضا شد که عضویت مرکز خدمات به کتابخانه ملی منتقل شود و چنین شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی نماینده‌های ایفلا اعزام نشد. اولین بار در سال ۱۳۶۲ که ایفلا در کنیا برگزار می‌شد از طرف کتابخانه ملی یک نماینده به ایفلا اعزام شد و از آن به بعد به تفاریق از کتابخانه ملی و سایر کتابخانه‌ها نمایندگان در ایفلا شرکت کردند. در سالهای اخیر افراد شرکت کننده از کتابخانه‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران به ایفلا به مراتب بیش از قبل از انقلاب بوده است. در حال حاضر کتابخانه‌ها و مراکز زیر جزو اعضای

۱۱. نگاه کنید به ترجمه رسمی نامه دبیرکل ایفلا مبنی بر قبول عضویت انجمن کتابداران ایران در

سازمانی (Institutional members) ایفلا هستند که جزو اعضای وابسته محسوب می‌شوند:

- ۱- کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد
- ۳- کتابخانه مرکزی دانشگاه امیرکبیر
- ۴- مرکز اسناد و مدارک علمی
- ۵- مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۶- دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران
- ۷- مؤسسه تحقیقات و کاربرد مواد معدنی ایران

هیجدهمین اجلاس رؤسای کتابخانه‌های ملی ۱۶ اوت ۱۹۹۱ - وزارت فرهنگ، مسکو

دیروقت، حدود ساعت ۱۲ شب، به اتفاق آقایان سید حسن شهرستانی (کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید بهشتی)، کرامتی (کتابخانه ملی)، و خانمها غنی‌نژاد (کتابخانه ملی)، میرحسینی و معصومی (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ابراهیمی و لطفی (سازمان برنامه و بودجه) و آقای علی میرزائی (شرکت فولاد) به فرودگاه مسکو رسیدیم.

فرودگاه مسکو را دومین بار بود می‌دیدم. کوچک و بی‌رونق. هیچ چیز که توجه مسافران را جلب کند در آن دیده نمی‌شود. طبعاً در آن نیمه شب نیز همه چیز خواب و بی‌حرکت به نظر می‌رسید. چند لحظه‌ای نگذشته بود که از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران نمایندگان برای استقبال از خانمهایی که از وزارت ارشاد آمده بودند سرسیدند. هیچ یک از شرکت‌کنندگان ایرانی قبلاً هتل رزرو نکرده بودند و در آن وقت شب، آن هم در مسکو که همه چیز می‌بایست از طریق سازمانهای دولتی انجام گیرد امکان پیدا کردن

جا بعید می‌نمود. قرار شد موقتاً همه به سفارت جمهوری اسلامی ایران بروند. من فردای آن روز به جای جناب آقای رجبی در کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی شرکت می‌کردم. از طریق آنها جا رزرو کرده بودم. کسی را به دنبالم فرستادند و از بقیه جدا شدم. شب دیروقت به محل سکونت رسیدم. ساعت ۱۰ صبح کنفرانس در یکی از سالنهای وزارت فرهنگ شوروی تشکیل می‌شد. تا نزدیکیهای صبح کاغذها و برنامه‌هایم را جور کردم و نگاهی به برنامه و مقالاتی که از قبل برایمان رسیده بود انداختم. صبح برای رفتن به محل کنفرانس به دنبالم آمدند. احساس کردم بکلی خسته و کسلم. خستگی روزهای آخر که در نتیجه دوندگیهای بی‌حساب برای گرفتن ویزا و بلیط و غیره به وجود آمده بود تازه فرصت بروز پیدا کرده بود. با سردرد و کسالت بی حد زودتر از ساعت مقرر در کنفرانس حاضر شدم. بجز مسؤولان اصلی کنفرانس کسی نیامده بود.

چشمم که به خانم دیاکونوا (Olga Diakonova) افتاد همه چیز یادم رفت. او را سالها پیش در کنفرانسهای ایفلا دیده بودم. انگلیسی را با لهجه قشنگی صحبت می‌کرد. بلندقد و باوقار و ساده بود. اظهارنظرهایش در سخنرانیها همیشه جلب توجه می‌کرد. قاطع، مصمم و صریح حرف می‌زد. می‌دانستم در کتابخانه لنین کار می‌کند ولی سالها بود که دیگر ندیده بودمش. شکسته شده بود. مثل خود من. ولی هردو همدیگر را شناختیم و بسرعت به طرف هم رفتیم. چهره‌اش شکفته بود. سئوالها را مثل باران به سر و روی هم می‌ریختیم. فرصتش کوتاه بود. داشت روی میزها کاغذ و مداد و برنامه کنفرانس را پخش می‌کرد. متن یکی از سخنرانیها را بلند کرده گفت: دارم از خستگی هلاک می‌شوم. تکثیر این یکی همین چند دقیقه پیش تمام شد. برنامه و متن سخنرانیها روی کاغذهای گاهی و با کیفیتی بسیار نازل تکثیر شده بود. معلوم بود خیلی عذاب کشیده تا توانسته همه چیز را برای آن روز آماده کند. گمان مدار که اینها معلول اوضاع اخیر بوده باشد زیرا که یادم بود همیشه نامه‌هایی

که از شوروی برای ما می‌رسید روی کاغذهایی با همین کیفیت بود. یادم افتاد که خیلی قدیم از کاغذ روسی به عنوان یکی از کاغذهای درجه یک صحبت می‌شد. چرا کیفیت آنقدر پایین آمده است؟ همه چیز برایم سوال‌برانگیز بود. در سالن کوچک و ساده کنفرانس فقط چند شیشه آب و لیوان بود و دیگر هیچ. کنفرانس دقیقاً ساعت ۱۰ صبح شروع شد. معمولاً از هر کتابخانه ملی فقط یک نفر در این کنفرانس شرکت می‌کند و او رئیس کتابخانه است یا نماینده‌ای که از جانب رئیس کتابخانه اعزام شده است. من چندین سال است که در این کنفرانس شرکت می‌کنم. این اولین باری بود که رسماً به جای آقای رجبی رئیس کتابخانه ملی ایران شرکت می‌کردم. دفعات قبل معمولاً به اعتبار آشنایی خودم با رؤسای کنفرانس و به علت علاقه شخصی خودم و نیز بعلت اینکه شخص دیگری از ایران معرفی نمی‌شد در این کنفرانس شرکت می‌کردم.

کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی فقط یک روز است، و این یک روز معمولاً قبل از افتتاح کنفرانس ایفلا یا روز بعد از کنفرانس ایفلا است. محل آن نیز غالباً در همان شهری است که ایفلا در آن برگزار می‌شود ولی ساختمانی که اجلاس در آن برپا می‌شود غالباً با محل برگزاری ایفلا فرق دارد. کنفرانس‌های ایفلا معمولاً به سرپرستی و مسؤلیت انجمن‌های کتابداری کشورها برگزار می‌شود. ولی کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی را کتابخانه ملی کشور میزبان اداره می‌کند و اجلاس‌های آن در همان کتابخانه برگزار می‌شود. اما مهماندار ما امسال وزارت فرهنگ شوروی بود. گرچه که کارهای حرفه‌ای و اساسی آن را کتابخانه ملی لنین به عهده داشت. شاید به خاطر اینکه کتابخانه لنین در دست تعمیر و بازسازی بود از ساختمان وزارت فرهنگ استفاده گردیده بود. خانم دیاکونوا سرپرستی تدارک اجلاس را به عهده داشته است. او حالا بازنشسته است ولی در حکم مشاور رئیس کتابخانه لنین هفته‌ای سه روز به کتابخانه می‌رود.

کنفرانس با خوش آمد خانم ماریان اسکات (Marianne Scott) اهل کانادا که در حال حاضر به ریاست این کنفرانس انتخاب شده است افتتاح شد.

اما امسال مهمترین مسایل مطرح شده عبارت بودند از « کتابخانه‌های ملی دوقلو یا هم‌پیوند»، «بلايا و مصیبت‌های وارد شده بر کتابخانه‌ها»، و «کوپن امانت بین‌المللی بین کتابخانه‌ها». در مورد کتابخانه‌های دوقلو توصیه شد که هر دو کتابخانه ملی با هم قراردادی را برای تشریک مساعی امضا کنند. این پیوند می‌تواند بین دو کتابخانه از دو کشور رشد یافته یا یک کشور رشد یافته و یک کشور در حال توسعه یا از دو کشور در حال توسعه باشد. منظور اتحاد بین کتابخانه‌هاست و مبادله اطلاعات و کمک رساندن یکی به دیگری یا هر دو بهم. برای اینکه این رابطه به فرد بستگی نداشته باشد، بهتر است در هریک از کتابخانه‌ها کمیته‌ای مأمور این امر باشد. برخی از اموری که می‌تواند فعالیت این کتابخانه‌ها را تشکیل دهد بدین ترتیب برشمرده شد:

۱. مبادله کارمند

۲. بازدید از کتابخانه‌های یکدیگر و اعزام کارآموز به کتابخانه‌های

هم‌پیوند

۳. تشکیل سمینارها و کلاسهای مورد نیاز طرفین

۴. ارسال منابع و مآخذ مورد نیاز هریک از طرفین

۵. نامین کتابخانه مقابل از جهت وسایل و تجهیزات از جمله ماشین

تحریر، وسایل فتوکپی، میکروفیش و غیره

۶. مبادله اطلاعات حرفه‌ای و نتیجه تحقیقات مربوط به خدمات فنی،

مدیریت، مکانیزه کردن و خدمات عمومی

۷. کمک به مسأله امانت بین کتابخانه‌های بخصوص در مورد ارسال کپی

مقالات

۸. تقبل پرداخت حق عضویت کتابخانه‌ای که توان مالی برای عضویت در

مجامع بین‌المللی مثل ایفلا را ندارد.

۹. همکاری در انجام یک پروژه تحقیقاتی

یکی دو کتابخانه فی الحال اظهار علاقه کردند که چنین عقد و پیمانی با هم ببندند و قرار شد گزارش فعالیتها و تجارب یکساله خود را در سال آینده ارائه دهند. فکر کردم خوب بود کتابخانه ملی ایران با کتابخانه ملی تاجیکستان چنین پیمانی را می‌بست. ولی متأسفانه رئیس کتابخانه ملی تاجیکستان در آنجا حضور نداشت. اصولاً رؤسای کتابخانه‌های ملی هیچ یک از جمهوریه‌های شوروی آنجا نبودند. پیشنهاد «کتابخانه‌های دوقلو» جدید بود و بهمین مناسبت تا مدتها ذهن مرا به خود مشغول کرده بود. همکاری جالبی است: دوقلوهایی که همیشه از احوال هم باخبرند. کاش کتابخانه‌های داخلی کشور ما چنین عهد و پیمانی با یکدیگر می‌بستند. مثلاً دو کتابخانه دانشگاهی یا دو کتابخانه تخصصی با زمینهای مشابه، حتی دو کتابخانه عمومی در دو استان مختلف و نظایر آن. زمینهای بسیاری برای همکاری می‌توان یافت که احتمالاً به بارور کردن هر دو طرف می‌انجامد. بهر حال به یونسکو پیشنهاد شده است یک راهنمای عملی برای کتابخانه‌های ملی هم‌پیوند تدوین و منتشر نماید.

مساله کتابخانه‌های مصیبتزده اول بار در سال ۱۹۸۸ در کنفرانس ایفلا در استرالیا مطرح شد. در آن سال خانم دکتر ج. لیال (Dr. Jan Lyall) گزارش مفصل و جالبی از چگونگی آتش سوزی در کتابخانه ملی استرالیا و عملیات انجام شده برای مهار کردن و نجات آن مطرح کرد. در سال ۱۹۹۰ در استکهلم این مساله رنگ جدی‌تری به خود گرفت و بحث در اطراف چگونگی کمکهای بین‌المللی به کتابخانه‌هایی که دچار مصیبتهای غیرمترقبه می‌شوند منجر به پیشنهاد پژوهشی در باره «از مصیبتهای کتابخانه‌ای چه می‌دانیم» شد. و امسال سال برنامه‌ریزی برای این ماجرا بود. برنامه‌ریزی برای «اطلاعات مربوط به مصیبتهای وارد شده به کتابخانه‌ها». سؤالیهای بسیاری

مطرح شد از قبیل هدف چنین برنامه‌ای، حد و حدود آن، اطلاعات مورد نیاز، انواع کمکها و سازماندهی و غیره و غیره. این مسأله اگر روی دهد، بخصوص برای کتابخانه‌های ملی فاجعه‌آمیز است. رئیس جلسه پیشنهاد کرد که این امر در جلسات بخش حفاظت ایفلا و نیز در مراکز منطقمای که طی برنامه میان مدت حفظ و نگهداری ایفلا (PAC) به وجود آمده است مورد بحث قرار گیرد. همچنین پیشنهاد شد که برنامه کتابخانه‌های مصیبت زده ساختمان کتابخانه‌ها را نیز شامل شود؛ کلاسهای کارآموزی در این دوره تشکیل شود و پرسشنامه‌هایی تنظیم گردد که بر مبنای آن بتوان متخصصان سالم‌سازی و منابع کمک‌رسانی به کتابخانه‌های مصیبت‌زده را شناسایی کرد.

و اما در مورد ایجاد نظام کوپنی کردن امانتهای بین‌المللی که دو سالی است در مورد آن بحث می‌شود قبلاً مطالبی برای ما فرستاده و نظرخواهی کرده بودند. کتابخانه ملی گرچه به‌طور منظم وارد نظام امانت بین‌المللی نشده است ولی تا آنجا که استنباطها و تجارب جزئیمان اجازه می‌داد اظهارنظر کرده و پرسشنامه را برایشان بازفرستاده بودیم. گزارشی که امسال ارائه شد ظاهراً بر مبنای اظهارنظرهای ارسالی تنظیم شده بود. این طرح را آقای گراهام کورنیش Graham P. Cornish رئیس مرکز تأمین مدارک^{۱۵} و خانم مارگارت بارویک Margaret M Barwick تهیه کرده بودند. بد نیست بدانیم که مرکز تأمین مدارک که قبلاً نام آن British Lending Library بود یکی از معتبرترین مراکز تهیه و تأمین مدارک برای کتابخانه‌هاست و اکنون به منزله مرکز بین‌المللی امانت بین کتابخانه‌های International Interlibrary Loan با کوپنهای مخصوصی کار امانت بین‌المللی بین کتابخانه‌ها را انجام می‌دهد و به همین دلیل در این زمینه بیشترین تجربه را دارد. آقای کورنیش در گزارش بسیار مفصل پس از شرح مشکلات اصلی، شیوه‌های موجود را ارزیابی کرده و

راههای موفقیت طرح را برشمرد.

خانم فرگوسن کتابدار مشهور و بسیار فعال جامائیکا Jamaica که اکنون معاونت کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی نیز به عهده اوست، طی مقالهای بنام "Feasibility of a Voucher Scheme to pay for International Interlibrary Transaction" «مزایای استفاده از کوپن در معاملات بین‌المللی بین کتابخانه‌های» اظهار داشت که این طرح پیشرفته‌تر از طرحی است که قبلاً آقای کورنیش ارائه داده بودند. نماینده یونسکو اظهار داشت که قرار است طرح آقای کورنیش توسط یونسکو مورد بررسی قرار گیرد و سپس چاپ شود. قرار شد قبل از چاپ، ویرایش نهایی به کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی ارسال شود.

گزارش مهم دیگر در این جلسه از طرف «گروه کار حفاظت نشریات ادواری» ارائه شد. آقای هورتن Horton رئیس کتابخانه ملی استرالیا نتیجه فعالیتهای «گروه کار حفاظت نشریات ادواری» را گزارش کرد. توضیح داد که گروه کار موافق ارسال پرسشنامه به همه کشورهای نیست و بیشتر ترجیح می‌دهد گزارش از طرف اعضای شرکت کننده در کنفرانس مورد بررسی قرار گیرد و اضافه کرد که اصولاً بعید بنظر می‌رسد بتوان در مورد حفاظت نشریات ادواری به یک دستورالعمل واحد که در تمام کشورها قابل اجرا باشد برسیم.

آقای بیلینگن (Billington)، رئیس کتابخانه کنگره آمریکا گفت: بسیار بهتر است که پرسشنامه به همه کشورهای ارسال شود تا معلوم شود که کتابخانه‌های ملی برای حفاظت مطبوعات ملی خود چه تدابیری اندیشیده‌اند. او گفت کتابخانه کنگره معتقد است پس از میکروفیلم کردن نشریات ادواری می‌شود برخی از فرمهای اصلی را معدوم کرد و اضافه کرد که کتابخانه کنگره گرایش به طرف انتشارات الکترونیک را آغاز کرده است.

آقای لدوری Ladurie رئیس کتابخانه ملی فرانسه توجه حاضران را به

تحقیقات ایفلا و یونسکو در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۸ جلب کرد و ضمن تأکید بر نقش کتابخانه‌های ملی در نگهداری آرشیوهای ملی، گفت که بین طرح حفاظت و نگهداری ایفلا (IFLA PAC) با شورای بین‌المللی آرشیوها باید همکاری و هماهنگی بیشتری ایجاد شود.

مساله دیگری که در دستور کار قرار داشت «امانت بین‌المللی مواد غیرکتابی» بود، بیشتر بحثها در اطراف موادی که بیشتر مورد نیاز معلولان و نابینایان است دور می‌زد. شخصاً از این نظر مجدانه طرفداری کردم و سرانجام نظر آقای بیلینگن به شرح زیر به اتفاق آرا تصویب شد:

«نقش کتابخانه‌های ملی در آسان کردن امانت بین کتابخانه‌های مواد غیرکتابی به افراد معلول تا آنجا که تکنولوژی اجازه می‌دهد و با حق مؤلف منافات نداشته باشد، مورد تأیید و تصدیق کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی است.» قرار شد این تصمیم به اطلاع بخش کتابخانه‌های نابینایان ایفلا رسانده شود. طرح «قانون واسپاری برای انتشارات الکترونیکی» مسأله دیگر مورد بحث بود. گزارش شد که فرانسه مشغول بررسی لایحه‌ای در مورد واسپاری مواد الکترونیکی (به استثنای بانکهای اطلاعاتی On line) است. و نیز در نیروژ لایحه‌ای در این مورد به مجلس رفته است. قرار شد آقای روگاس، رئیس کتابخانه ملی نیروژ یک نسخه از آن را برای کلیه اعضای کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی ارسال دارد. در مجارستان نیز قانون واسپاری در دست تجدیدنظر است.

در تمام مدتی که بحث قانون واسپاری برای منابع الکترونیک ادامه داشت، من به یاد وضع نابسامان قانون واسپاری در کتابخانه ملی بودم و به یاد تحقیقی که خانم مهوش بهنام در دست تهیه دارد و نتیجه غم‌انگیز آن که می‌گوید بیش از ۳۰ درصد کتابهای منتشره در ایران به کتابخانه نمی‌رسد. سعی کردم در این مورد صحبتی نکنم. یادم آمد یکی دو سال پیش در جلسه دیگری بحث به سر قانون واسپاری بود و هرکس وضع کشور خود را شرح

می‌داد. اظهار این مطلب که ما دو نسخه را از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت می‌کنیم باعث تعجب شده بود. مشکلات و گرفتاریها برای من روشن بود ولی ترجیح دادم سکوت کنم.

سال گذشته در اجلاس ایفلا در سوئد (۱۹۹۰)، کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی به تشکیل یک «نیروی کار به منظور بررسی کتابشناسی» (Task Force on Issues Related to Bibliographic Records) اقدام نمود. این کمیته گزارش داد که دو طرح را در دست اقدام دارد. یکی کمک به مطالعه شرایط عملی لازم برای تهیه کتابشناسی که در سمینار کتابشناسی ایفلا پیشنهاد شده بود و دیگری بررسی کتابخانه‌های ملی و گردآوری اطلاعات برای انجام یک مطالعه تطبیقی از سازمانهایی که کتابشناسی ملی را منتشر می‌کنند. پیش نویس طرح اول را خانم هنریت آورام (Henriette Avram) تهیه کرده است. سالهاست او را می‌شناسم. نام او را گذاشته بودم «بانوی مارک» زیرا که طرح ماشینی کردن فهرسترگه‌های کتابخانه کنگره را که به نوارهای MARC مشهور است او پایه‌گذاری کرد و به مرحله تجارتي رساند. اکنون بازنشسته است و فعالیت خود را در کارهای بین‌المللی متمرکز کرده است. رئیس کتابخانه ملی استرالیا گزارش داد که طرح دوم خود به دو مرحله تقسیم شده است. مرحله اول با در نظر داشتن هزینه و خدمات توزیع کتابشناختی به مسایلی از قبیل چهارچوب قانونی، سیاستهای مالی، رابطه با ناشران و پیمانهای مبادلات بین‌المللی می‌پردازد. مرحله دوم شامل شاخصهای کارآیی و شیوه‌های داخلی کار می‌شود. مرحله اول را قرار بود کتابخانه ملی نیوزلاند به عهده بگیرد، لکن به علت تراکم کار آن را به آقای (Horton) در کتابخانه ملی استرالیا منتقل کرد. آقای هورتن گفت طرح مقدماتی پرسشنامه را برای بحث با «نیروی کار» تهیه کرده و پس از آن پرسشنامه نهایی را برای بررسی به اعضای کنفرانس بین‌المللی رؤسای کتابخانه‌های ملی خواهد فرستاد. بسیار مایل بودم انجام یکی از این طرحها را از طرف کتابخانه ملی تقبل

کسم ولی وقتی یاد عقبماندگیهای کتابخانه و بلبشوی اداری آن می‌افتادم از سخن گفتن باز می‌ایستادم.

رئیس کتابخانه ملی هند تقاضا کرد که کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی در سال آینده که اجلاس ایفلا در دهلی (۱۹۹۲) صورت می‌گیرد، در شهر کلکته تشکیل شود. گرچه همه راضی بودند ولی گفته شد که در این صورت به علت دوری مسافت، مدت کنفرانس باید حداقل به یک روز و نیم تبدیل شود که امکان بازدید از کتابخانه ملی هند نیز موجود باشد.

برنامه‌های اصلی ایفلا

آقای ویسوکي (Wysocki)، نماینده ایفلا دو بروشور توزیع کرد. یکی در باره برنامه‌های اصلی ایفلا و دیگری در مورد «بهبود کتابداری در کشورهای در حال رشد» (Advancement of Librarianship in the Third World = ALP). سرپرستی برنامه ALP اکنون با کتابخانه دانشگاه اوپسالا (Uppsala) در سوئد است. آقای ویسوکي همچنین اشاره کرد که برنامه اصلی دیگر ایفلا در مورد حفاظت و نگهداری که دفترش در کتابخانه کنگره آمریکا است از اول سال ۱۹۹۲ به کتابخانه ملی فرانسه منتقل می‌شود.

برای اینکه برنامه‌های اصلی ایفلا با موفقیت اجرا شود معمولاً ایفلا باید هزینه سنگینی را متقبل شود، آقای ویسوکي ضمن تشکر از بسیاری از کتابخانه‌های ملی، یونسکو و سازمان بین‌المللی توسعه سوئد و شورای منابع کتابخانه‌های انگلستان متذکر شد که باز هم پشتوانه مالی برنامه‌ها ضعیف است و در سال جاری ایفلا ناچار شده است چهل هزار گیلدر هلندی به بودجه برنامه‌های اصلی اهداء کند.

برنامه‌های منطقه‌ای

خانم کدیر (Mrs. Mariam Abdul Kadir - خانم مریم عبدالقدیر) از

مالزی گزارش داد که کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی آسیا و اقیانوسیه در نوامبر سال ۱۹۹۲ در کتابخانه ملی مالزی برگزار خواهد شد. تا به حال چندین بار از من سؤال شده است که چرا در این کنفرانسهای منطقه‌ای شرکت نمی‌کنیم. متأسفانه اگر هم اخبار آن به کتابخانه می‌رسد من آنها را نمی‌بینم و معلوم نیست چرا از طرف مدیریت کتابخانه بلاجواب می‌ماند.

بهرحال موضوع این گردهم‌آئی عبارت است از «به سوی سال ۲۰۰۰: رؤیایها و انگیزه‌ها» (Toward the year 2000, Visions & Challenges). خانم کدیر امیدوار بود که ساختمان جدید کتابخانه ملی به موقع برای پذیرایی مدعوین آماده باشد. کنفرانس رؤسای کتابخانه‌های ملی آسیا و اقیانوسیه در جستجوی تحصیل امکانات مالی از یونسکو است تا بتواند کتابداران کشورهایایی را که امکان پرداخت هزینه شرکت در کنفرانس را ندارند کمک کند.

اخیراً چک و اسلواکی و نیز مجارستان به گروه شورای منطقه‌ای اروپا پیوسته است. با پیوستن تعدادی از کشورها اروپای شرقی به کنفرانس منطقه‌ای رؤسای کتابخانه‌های ملی اروپا امید می‌رود تفاهم بیشتری بین شرق و غرب بوجود آید.

خانم مارتا تری (M. Terry) رئیس کتابخانه ملی کوبا گفت انجمن کتابداران ایرو - آمریکن مشغول تهیه یک فهرستگان از مجموعه قرنهاي ۱۷، ۱۸ و ۱۹ خود هستند.

خاتم سنت آنا گزارش داد که ۲۲ تن از رؤسای کتابخانه‌های ملی آمریکای لاتین اخیراً در برزیل گردهم آمده‌اند و در باره چگونگی برگزاری برنامه‌های جشن پانصدمین سال کشف آمریکا به وسیله کریستف کلمب گفتگو کردند.

جلسه رؤسای کتابخانه‌های ملی که از ساعت ۱۰ صبح شروع شده بود در ساعت ۵ بعدازظهر خاتمه یافت. وزیر فرهنگ ضیافتی به افتخار مهمانان داده

بود که چون بسیار خسته و کسل بودم در آن شرکت نکردم و به محل اقامتم بازگشتم تا با بررسی برخی مقاله‌ها و مطالعه چند مطلب دیگر و تنظیم یادداشتها خود را برای شرکت در جلسه اختصاصی رده‌بندی و نمایه‌سازی که عضو آن هستم و سپس جلسات عمومی ایفلا آماده نمایم.

آغاز کنفرانس عمومی سالانه ایفلا در مسکو

۱۷ اوت

روز شنبه ۱۷ اوت روز تعطیل بود. فقط کمیته‌های دایمی و گروههای کار در جلسات اختصاصی به بحث و فحص در مورد موضوعها و مطالب خاص خود می‌پرداختند. من سال گذشته به عضویت در کمیته دایمی رده‌بندی و نمایه‌سازی برگزیده شدم. لذا از ساعت ۹ تا ۱۱ باید در جلسه شرکت می‌کردم.

جلسه طبق معمول با خوش‌آمد رئیس و تصویب صورتجلسه کنفرانس سال قبل در استکهلم آغاز شد و پس از حل و فصل چند مساله اداری و اجرایی از قبیل تعیین تعداد اعضای کمیته، بررسی سوابق و شرح احوال کسانی که تقاضای عضویت مکاتبه‌ای کرده بودند و غیره، به بحث و گفتگو در مورد مسایل اساسی و موضوعی کار کمیته پرداختیم. مهمترین مساله مورد بحث «برگه‌های مستند موضوعی» است. این کمیته در حال تدوین دو راهنماست: یکی تعیین خط مشی برگه‌های مستند موضوعی و دیگری در مورد اصول تدوین سرعنوانهای موضوعی. خوشحال بودم در اولین سال شرکت رسمی‌ام در جلسه بحث بر سر مساله‌ای بود که خود در آن تجارب بسیار داشتم. گزارش گروه کار مسؤول «تهیه پیش‌نویس خط مشی برگه‌های مستند موضوعی» به دقت مورد بررسی قرار گرفت. اظهارنظرها و تصمیمات لازم یادداشت شد و قرار

شد گروه کار پس از اعمال نظریات اعضای کمیته ویرایش جدید آن را برای اعضای کمیته ارسال کند تا در کنفرانس دهلی مجدداً مورد بحث قرار گیرد. گروه کار «اصول تدوین سرعنوانهای موضوعی» تازه آغاز به کار کرده بود. بحثهای کلی پیش آمد و رئوس برنامهها و فعالیتهای کمیته برای کنفرانس دهلی (۱۹۹۲) و بارسلون ۱۹۹۳ مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

۱۸ اوت

روز یکشنبه ۱۹ اوت روزی بود که بیشتر شرکت کنندگان در ایفلا به مسکو می‌رسیدند، یا شب قبل رسیده بودند و امروز برای آشنایی با محل کار، انجام امور نامنویسی و بعضاً برای شرکت در جلسه «معرفی ایفلا به تازه‌واردان» و غیره به محل کنفرانس می‌آمدند. من روز قبل نامنویسی کرده بودم و متن سخنرانیها و سایر مطالب مربوط به کنفرانس را دریافت کرده بودم. تنها برنامه مورد توجه من جلسه «گروه کنترل کتابشناسی» (Division of Bibliographic Control) بود که از ساعت ۱۱ صبح تا یک بعدازظهر تشکیل می‌شد. در این جلسه بخشهای تشکیل دهنده گروه، گزارش کارهای خود را دادند. گزارش بخش فهرست‌نویسی، بخش کتابشناسی، بخش ردمبندی و نمایسازی، بخش برنامه اصلی کنترل جهانی کتابشناسی و پروژه مارک UBCIM. جلسهای بود بسیار آموزنده و پراطلاع از پیشرفتهای جهانی در مورد بخش بسیار مهمی از فعالیتهای کتابخانه‌ای.

کار اصلی ایفلا از روز دوشنبه آغاز می‌شد. دوشنبه روز افتتاح اجلاس عمومی بود و روزهای بعد از آن به جلسات فشرده کار یا بازدیدهای فرهنگی و آموزشی از کتابخانهها و مراکز اطلاع‌رسانی و آثار تاریخی اختصاص داشت.

۱۹ اوت

صبح روز دوشنبه هنگامی که آماده می‌شدم تا به محل کنفرانس بروم طنین ناخوشایند خودروهای سنگین و ناآشنایی توجه مرا به طرف پنجره رو به خیابان جلب کرد. به بیرون نگاه کردم خیل تانکها و کامیونهای نفربر و ماشینهای ارتشی هوا را

می‌شکافتند و به پیش می‌رفتند. حیرت‌زده به آنها خیره شدم. به کجا می‌روند؟ چرا اینهمه؟ از قیافه سربازان داخل کامیونها چیزی دستگیرم نشد. صدای رادیو از اتاقها بلند بود. سرانجام یک نفر خبر داد که کودتا شده است. باور کردنی نبود. چند لحظه کنار پنجره خشکم زده بود. کودتا علیه کیست؟ از طرف چه کسانی است؟ هیچ وقت به خاطر عدم آشنایی با زبان آنقدر افسرده و ناتوان نشده بودم. با این خط عجیب و غریب حتی یک کلمه را هم نمی‌توانستم بخوانم. هرطور بود با نگرانی بسیار آماده شدم و به طرف محل کنفرانس به راه افتادم. راه درازی را باید طی می‌کردم. مقداری با اتوبوس و بعد مترو. در ایستگاه اتوبوس همیشه پنج شش نفری منتظر اتوبوس بودند و معمولاً با هم صحبت می‌کردند. ولی امروز تعداد مسافران بسیار زیادتر از همیشه بود و مطلقاً کسی با کسی حرفی نمی‌زد. قیافه‌ها نگران، عیوس و مردّد می‌نمود. دلم می‌خواست سر صحبت را با کسی باز کنم. شاید یکی انگلیسی بداند. ولی قیافه‌ها راه نمی‌دادند. هیچ لبخندی، هیچ آرامشی و هیچ اعتمادی در چهره‌ها وجود نداشت. جرأت نکردم به طرف کسی بروم. نگاه پرسشگرم را نثار مسافران کردم. جوابی نیامد. چشم به راه اتوبوس در جای خود می‌خکوب شدم. هنوز گاه به گاه از طرف دیگر خیابان ماشینهای ارتشی رد می‌شد. عکس‌العمل مردم و مسافرانی که همچنان در انتظار اتوبوس بودند سرد و بی‌تفاوت بود. انگار سعی داشتند حتی به آنها نگاه هم نکنند. هیچ وقت مدتی به این درازی در ایستگاه منتظر نشده بودم. سرعت و کارآیی حمل و نقل عمومی در روزهای اول و دوم تحسین مرا برانگیخته بود. مترو البته همیشه شلوغ بود. با وجود این سریع و بدون معطلی. از این گذشته انتظار در متروهای مسکو خود تفریح بود. نقاشیها، کنده‌کاریها و مجسمه‌های روی دیوارها جالب و نمایشایی است. ترنها آنقدر سریع می‌رسند که من غالباً فرصت نمی‌کردم به تماشای آثار هنری روی دیوارها بپردازم. اما امروز انگار از اتوبوس خبری نبود. کم‌کم داشتم نگران می‌شدم. بیش از یک راه برای

رسیدن به محل کنفرانس بلد نبودم. خوشبختانه صبح کار چندان مهمی نبود. کنفرانس در واقع از بعدازظهر شروع می‌شد. ساعات ۲/۵ تا ۴/۵ بعدازظهر، اجلاس عمومی و افتتاح رسمی کنفرانس بود. علاقه داشتم در یکی از سخنرانیهای پیش از افتتاح که در مورد پیشرفت کتابداری در جهان سوم گزارش می‌داد (ساعت ۱۲ تا ۱/۱۰) شرکت کنم. بهمین جهت صبح از محل اقامت بیرون آمده بودم. برخی از مسافران اتوبوس به تدریج با تاکسیهای سیاهرنگی که آنها هم به ندرت عبور می‌کردند می‌رفتند. کاش من هم می‌دانستم باید چه بگویم و به کجا بروم و می‌توانستم با تاکسی بروم. سرانجام پس از بیش از یک ساعت معطلی اتوبوس رسید و من سوار شدم. در اتوبوس سکوت مطلق برقرار بود. در ایستگاه پنجم پیاده شدم که سوار مترو بشوم. ایستگاه مترو شلوغ بود. یک بار دیدم کسی اعلامیه‌ای را به دیوار چسباند. چند نفری دور آن جمع شدند. قطار رسید و من سوار شدم. در محل کنفرانس همه‌مغز غریبی بود. بعضیها هیچ اطلاعی نداشتند و تازه وقتی وارد سرسرای ساختمان می‌شدند و از ماجرا اطلاع پیدا می‌کردند فریاد حیرت و هراسشان فضا را پر می‌کرد. همه نگران بودند. کنفرانس تازه از امروز شروع می‌شد. این طرف و آن طرف گشتم اعضای هیأت اجرایی ایفلا را بیابم. هیچ کدام نبودند. بعداً شنیدم جلسه تشکیل داده‌اند که کنفرانس ادامه بیابد یا منحل شود. و نتیجه این بوده است که ادامه دهند. به هر حال آن روز تا قبل از تشکیل اجلاس افتتاحیه عمومی نگرانی و اضطراب زایدالوصفی وجود داشت، می‌گفتند کودتا شده ولی کسی از همه حقیقت اطلاع نداشت و همین بی‌خبری سرچشمه نگرانیها بود. رفتم به دفتر ایفلا. نماینده سوند داشت برای دیگران توضیح می‌داد که با سفارتش تماس گرفته و گفته‌اند بلافاصله به کشورشان بازگردند. نماینده آمریکا گفت: سفارت ما گفته هیچ مسأله‌ای نیست؛ بمانید. بلافاصله به ذهنم خطور کرد که: «پس کودتا آمریکایی است». نمایندگان چند کشور دیگر هم بودند و چیزهایی می‌گفتند. ولی در این

فاصله کار من تمام شده بود و با مقداری اطلاعات بیرون آمدم. برخی از همکاران ایرانی را دیدم و آنچه را شنیده بودم به آنها منتقل کردم. هرکس چیزی می‌گفت و شایعات فراوان رواج داشت. به هر حال رسماً اعلام شد که جلسه افتتاحیه در محل معهود برقرار خواهد بود. قبل از ساعت مقرر همه در سالن کنفرانس جمع بودیم. قبل از همه رئیس ایفلا آقای گِه (Geh) که آخرین سال دوران ریاستش را طی می‌کند پشت تریبون آمد. بعد از آقای لیبارز بلژیکی که در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۴ رئیس ایفلا بود هیچ یک از رؤسای ایفلا را به قدرت، خوش‌صحبتی، شیک‌پوشی، خوش‌برخوردی، اقتدار و بافرهنگی آقای گِه ندیدم. حتی در این روز پرهیجان مثل همیشه مصمم پشت تریبون قرار گرفت و صحبتش را به گونه‌ای شروع کرد که هیچ کس انتظارش را نداشت. او صریح و بدون رودربایستی گفت: اوضاعی در این کشور جریان دارد که ما هیچ اطلاعی از آن نداریم. من از آقای گوینکو، وزیر فرهنگ تقاضا دارم به ما توضیح دهند و ما را در جریان امر قرار دهند تا بتوانیم نسبت به بقیه مسایل تصمیم بگیریم. و نگاهش را به گوینکو که ظاهراً در ردیف اول نشسته بود دوخت و ساکت شد. همه خوشحال شدیم. چون بی‌خبری از آنچه در جریان بود بیشتر از هر چیز همه را مضطرب می‌کرد. آقای گوینکو پشت تریبون قرار گرفت و در میان حیرت حاضران گفت که او هم به اندازه ما اطلاع دارد و اضافه کرد که اطلاعات را همانند دیگران از رادیو و تلویزیون کسب کرده و قبل از آن چیزی نمی‌دانسته. گفت: «صبح که می‌آمدم سعی کردم با برخی مقامات مسؤول تماس بگیرم ولی هیچ گونه تماسی برقرار نشد.!». نگرانی شدت گرفت، پس تکلیف ما چیست؟ حال باید چه کرد؟ آیا جلسه را ترك کنیم؟ آیا به کشورهایمان برمی‌گردیم؟ جان افراد در خطر است؟ کنفرانس ادامه نخواهد داشت؟ دهها سؤال از این قبیل به سرعت برق از اذهان خطوط کرد. اما آقای گوینکو با این سخنان به زودی به توهمات خاتمه داد. او گفت: با این همه شما کنفرانس را طبق برنامه اجرا کنید. به

شما قول می‌دهم که هیچ‌گونه خطری شما مهمانان عزیز و این کنفرانس را تهدید نمی‌کند. حاضران خوشحالی خود را با دست‌زدنهای ممتد اظهار داشتند. با وجود این رسوب حرفهای آقای گوینکو در اذهان ناباوری غربی را به وجود آورد. وزیر فرهنگ در جای خود قرار گرفت و تریبون را به آقای گه سخنان اول سپرد. سخنرانیهای افتتاحیه آقای گه همیشه جالب است و با احاطهای که به ادبیات و فرهنگ کشورهای مختلف دارد به مناسبت و مرتبط با اوضاع و احوال آن کشور سخنرانی‌اش را تهیه می‌کند. او سخنرانی‌اش را با اشاراتی به کنفرانس عمومی قبلی ایفلا که در سال ۱۹۷۰ در مسکو برگزار شده بود^{۱۶} آغاز کرد و یادی کرد از مرحوم مارگارتا رودمینو رئیس کتابخانه عظیم و معتبر ادبیات خارجی مسکو که اکنون به نام او نامگذاری شده است. خانم رودمینو در آن زمان معاون رئیس ایفلا بوده است. آقای گه سپس مردم شوروی را ستود، از نویسندگان و ادبای به نام این کشور یاد کرد، و از پوشکین، تولستوی و نویسندگان دیگر نقل قولهایی به مناسبتهای مختلف ایراد کرد و بدین ترتیب موضوع صحبت را رساند به موضوع اصلی ایفلا ۱۹۹۱ «ارتباط متقابل کتابخانهها و فرهنگ» و سپس از قول خورخه لویس بورخس - نویسنده نابینای آرژانتینی - (Jorge Luis Borges) گفت: «کتابخانهها محل نگهداری اشیای ازپیش ساخته شده فرهنگ جهاناند و کتاب دنیایی است که می‌تواند ما را با فرهنگ خودمان و فرهنگهای جهان آشنا کند.» و گفته خود را با جملهای از ماتیو آرتولد (Mathew Arnold) کامل کرد که «فرهنگ دانستن بهترین گفتهها و مهمترین اندیشههای جهان است». سپس به مسأله نقش کتابخانهها و نقش ایفلا و شرح برنامه

۱۶. در این سال خانم مهین تفضلی، رئیس وقت مرکز خدمات کتابداری، به نمایندگی از طرف مرکز خدمات کتابداری و انجمن کتابداران ایران در اجلاس سالانه ایفلا در مسکو شرکت کردند. نگاه کنید به شرح سفر ایشان در خبرنامه انجمن کتابداران ایران، شماره چهارم، زمستان ۱۳۱۹،

درازدت ایفلا پرداخت و یاد آور شد که دوران ریاست او که در ۱۹۸۵ در ایفلا شیکاگو شروع شده بود امسال در مسکو پایان می‌یابد. سپس تعدادی از کارها و پیشرفتهای ایفلا در دوره ۶ ساله اخیر را برشمرد. باتوجه به زمینه موضوعی ایفلا ۱۹۹۱ که «ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و فرهنگ» نامگذاری شده بود، آقای گه گفت دسترسی به فرهنگ ملی و فرهنگ کشورهای دیگر جز از طریق کتابخانه‌ها میسر نیست و اهمیت کتابخانه‌ها به منزله ستونهای فرهنگ به معنای اعم همواره رو به افزایش است و همین مسأله، راهنمای ایفلا برای تعیین سیاست درازمدت خود بوده است که در دوران ریاست من پیشنهاد شد و دیروز نیز در جلسه هیأت اجرایی به تصویب رسید. در «برنامه درازمدت ایفلا» که بیشتر بر بهبود دسترسی به متون و دستیابی به اطلاعات؛ گسترش و اعمال تکنولوژی جدید اطلاعات و بالابردن حرفه کتابداری از طریق آموزش پایلای و آموزش مستمر تأکید دارد، در مورد نقش اجتماعی، آموزشی و فرهنگی کتابخانه‌ها می‌گوید: کتابخانه‌ها به عنوان نهادهای فرهنگی و آموزشی، در جامعه دارای نقشی مرکزی و بنیادین هستند و به عنوان دستیارانی اساسی در ریشه‌کنی بیسوادی فعالند.... کتابخانه‌ها حافظه فرهنگی و تاریخی جامعه محسوب می‌شوند، کتابخانه‌ها امروز به عنوان مؤسسات فرهنگی و آموزشی مقبولیت عام یافته‌اند. کتابخانه‌ها مراکز اطلاعاتی و فرهنگی هستند و علاوه بر فعالیتهای سنتی کتابداری برای بالابردن سطح دانش جامعه به تشکیل نمایشگاهها، کنفرانسها، کنسرتها و غیره می‌پردازند.

با وجود این باید یاد آور شد که متأسفانه وضعیت اقتصادی بسیاری از کشورها نه تنها بهبود نیافته بلکه ضعیفتر هم شده است و این امر بر به تحقق رساندن اهداف کتابخانه‌ها اثر گذاشته است. به همین دلیل در سال گذشته برنامه «پیشرفت کتابخانه‌های جهان سوم» را جزو برنامه‌های میان مدت ایفلا قرار دادیم و امیدوارم که بتوانم برای انجام دهها پیشنهادی که از طریق کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی رسیده است امکانات مالی لازم را

بعلاست بیاوریم.

بعد از آقای گه نوبت صحبت به گوبنکو، وزیر فرهنگ شوروی رسید. او کتابدار نیست ولی وزیر فرهنگ کشوری است که دارای ۳۲۶ هزار کتابخانه با بیش از ۵/۶ میلیارد جلد کتاب است. کشوری که معظم‌ترین شبکه‌های کتابخانه و اطلاع‌رسانی دنیا را دارد. کشوری که به رغم فشارهای ایدئولوژیک سرانجام برای آزادی به‌پامی‌خیزد، کشوری که مردمش یکی از قویترین کودتاها را به زانو درمی‌آورند. به زمینه‌موضوعی ایفلا می‌اندیشیم: ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و فرهنگ. این رابطه و حوادثی که اتفاق افتاده بود در ذهنم تبلوری خاص می‌یافت. آیا کتابخانه‌ها در آفرینش شهروندانی که این چنین در مقابل کودتایی به سرکردگی وزیر دفاع، معاون رئیس‌جمهور، رئیس کا.گ.ب.، رئیس حزب کمونیست، وزیر کشور و رئیس مجلس و افراد صاحب منصب و بانفوذ دیگری از این گونه، ایستادگی می‌کنند، نقشی نداشته است؟

ولی حالا روز اول کنفرانس بود و ما هنوز از عاقبت کودتا اطلاعی نداشتیم. گوبنکو داشت سخنرانی می‌کرد. او به طور عام به اهمیت صلح در جهان و لزوم تفاهم بین کشورها اشاره می‌کرد و از کتابخانه‌ها به عنوان معتبرترین و مؤثرترین رابطه فرهنگی برای ایجاد این تفاهم یاد کرد. او معتقد بود که سرنوشت صلح رابطه‌تنگاتنگی با اوضاع فرهنگی کشورها دارد. او از انحصارطلبی و عدم تحمل آداب و سنن یک کشور توسط کشورهای دیگر به عنوان عوامل مخرب و زیانبار یاد کرد. دلمشغولی اساسی او این بود که می‌آید در آینده عادت کتابخوانی در کودکان شوروی از بین برود و جای خود را به ویدئو، تلویزیون و بازیهای الکترونیک تسلیم کند.

او از آزادیهایی که بعد از سالهای ۱۹۸۵ به جامعه شوروی به طور کلی و به کتابخانه‌ها بالاخص داده شد و کوششهایی که در راه بازسازی کتابخانه‌ها شده است یاد کرد. در سال ۱۹۹۰ دولت دهها میلیون روبل برای بازسازی

کتابخانه ملی لنین اختصاص داد. مسأله مهم دیگر کتابخانه‌ها و دموکراسی است. این سرپنا‌های پیچیده و درهم مخازن و تالارهای مطالعه، صحنه برخورد عقاید و مآمن پژوهش‌های بدون واژه حقیقت است. کتابخانه‌ها به عنوان قرارگاه‌های لایتنای نظریات متفاوت و متضاد سیاسی و فلسفی، آزادی تفکر را به ما می‌آموزند. گوبنکو معتقد بود که تنها یک اجتماع آگاه می‌تواند یک اجتماع دموکراتیک بیافریند، و کتابخانه‌ها مهمترین نقش را در آگاه کردن شهروندان ایفا می‌کنند. مردم ما اکنون در اوج شادی ناشی از آزادی، هیجانزده شده‌اند. آنها مسایل فراوانی را پیش رودارند. پروستریکا بر وابستگی ایدئولوژیکی فرهنگ خط بطلان کشیده است، ولی نه بر وابستگی مالی. برخلاف آنچه برخی از نمایندگان مجلس ما ادعا می‌کنند نمی‌توان با شعار «هنر برای مردم» فرهنگ را از نظر مالی خود کفا کرد. این به معنی بستن درهای موزه‌ها و کتابخانه‌هاست و بیم آن می‌رود که در بهترین حالتها فرهنگ اصیل به فرهنگ تجارتنی تبدیل شود. و این یک خودکشی فرهنگی است. دولت باید بداند که فرهنگ راه و روشی است که بهترین دستاوردهای گذشته و جهت حرکت آینده را در خویشن دارد. او سخنان خود را با این بیان به پایان برد که فراموش کردن فرهنگ، عامل مستحیل شدن در آن چنان پوچی است که حیثیت هر نیروی قدرتمندی را خدشدار می‌کند.

پیام مدیرکل یونسکو و پیام مدیر اف.آی.دی. (فدراسیون بین‌المللی دکومان‌تاسیون) نیز خوانده شد و جلسه عمومی ایفلا در ساعت ۴/۵ خاتمه یافت.

۲۰ اوت

از فردای آن روز برنامه‌های معمولی ایفلا آغاز می‌شد. سه ساعت صبح و سه ساعت و نیم و گاه چهارساعت بعد از ظهرها، برنامه‌های فنی و حرفه‌ای برگزار می‌شد. در هر یک ساعت و نیم همزمان چندین قسمت، بخش، کمیته و

میزگرد برنامه‌های بحث و سخنرانی داشتند. کتابداران بنا بر علایق شخصی و حرفه‌ای در برنامه‌های مورد علاقه شرکت می‌کردند. من شخصاً غالباً در برنامه‌های مربوط به کتابخانه‌های ملی، کنترل کتابشناختی، فهرست‌نویسی و نیز در کلیه جلسات نمایه‌سازی و رده‌بندی که عضو کمیته دایمی آن هتم شرکت می‌کنم. امسال در جلسات کتابخانه‌های ملی بحث اساسی در مورد برنامه‌ریزی استراتژیک در کتابخانه‌های ملی دور می‌زد. از این میان سخنرانی آقای هورتون، رئیس کتابخانه ملی استرالیا که با او در سفرم به استرالیا آشنا شده بودم، توجهم را به خود جلب کرد. این کتابخانه در این مورد جزوای به عنوان دستورالعمل منتشر کرده است که تقاضا کردم برای من یک نسخه بفرستد. فکر می‌کردم شاید بتوان از آن به عنوان الگویی برای برنامه‌های استراتژیک کتابخانه ملی ایران استفاده کرد. با دست کم می‌توان از آن الهام گرفت و مطالب آن را با شرایط و نیازهای محلی خودمان تطبیق داد. سخنرانی مورس لاین که مدتها ریاست بخش مربوط به کتابخانه‌های ملی ایفلا را داشت و در زمان ریاستش من یک بار سخنرانی کردم، نیز جالب بود.

کاش می‌شد اینها را ترجمه کرد و در جایی به چاپ رساند که همه کتابداران ایرانی از آنها بااطلاع شوند. در جلسات مربوط به کتابخانه‌های ملی من در یکی دو سال گذشته حرفی برای گفتن داشتم. می‌شد امسال هم داشته باشم. کتابخانه لنین از طرف ایفلا متولی جمع‌آوری کلیه اسانامه‌های کتابخانه‌های ملی شده است. قرار بود ترجمه اسانامه جدید را من برای ارائه به مسکو بیاورم. ولی متأسفانه با اینکه از اوایل سال گذشته مسأله را مطرح کرده بودم، کتابخانه نتوانست آن را به موقع در اختیار من بگذارد. لذا نسخه ترجمه‌ای غیررسمی را که توسط یکی از دوستانم انجام گرفته بود بعد از پایان جلسه به خانم مسئول جمع‌آوری اسانامه‌ها دادم و تأکید کردم که این نسخه تأیید شده نیست، گرچه می‌دانم که ترجمه‌ای بسیار دقیق و بلیغ بود و بعید به نظر می‌رسید که کتابخانه ملی بتواند چیزی بهتر از آن ارائه دهد. لذا در مورد

کتابخانه خودمان بیشتر سکوت اختیار کردم. کتابخانه در سال گذشته در هیچ زمینه پیشرفت چشمگیری نداشته است. از هم گسیختگیهای اخیر دلم را به دردمی آورد. شکوه از دوست به که می‌توان برد؟ اظهارنظر و تکرار آنچه در این جلسات گذشت از حوصله این مختصر خارج است.

بیرون از جلسات اوضاع همچنان متنشج بود. به زحمت سعی می‌کردم حواسم را متوجه مسایل حرفهای مورد بحث بنمایم. در تمام مدتی که برنامه‌ها جریان داشت رفتار حرفهای برگزارکنندگان روسی ایفلا که با آرامش بسیار سعی می‌کردند در میان چنین حوادث هیجان‌انگیزی، روند عادی برنامه‌ها را حفظ کنند، حیرت‌انگیز بود. برخی از کتابداران روسی خجلت‌زده به نظر می‌رسیدند. برخی از سخنرانهای ایفلا به علت اینکه سخنرانان کشور را ترک کرده بودند انجام نشد. ولی تعداد آنها چندتایی بیش نبود. مردم در خیابانهای اصلی شهر رامبدان به وجود آورده بودند و در نتیجه عبور و مرور به کندی صورت می‌گرفت. اینجا و آنجا در وسط خیابان آتش‌سوزی به راه بود، لاستیک، چوب و هرچه دم‌دست بود طعمه آتش می‌شد. تاکسیها و اتوبوسها در موارد بسیاری مجبور بودند راه خود را عوض کنند. سه روز تمام در صفهای متعددی که برای اتوبوس یا خرید مواد خوراکی و پوشاکی به چشم می‌خورد کسی با کسی حرف نمی‌زد. روزهای دوم و سوم در متروها، در چهارراهها و خیابانهای مهم مردم اعلامیه‌هایی به در و دیوارها می‌چسباندند و بلافاصله جمعیت برای خواندن آنها سروگردن می‌کشید. به یاد روزهای انقلاب خودمان افتادم، و حیرت‌زده که سرنوشت کودتا با رویارویی مردم به کجا خواهد انجامید؟ اما از هیچ طرف صدای اسلحه و تیر و تفنگ به گوش نمی‌رسید. همه فکر می‌کردیم بهمین زودیها صداهای مهیب توپها و تفنگها بلند خواهد شد. کسی چه می‌دانست ماجرا به کجا خواهد کشید. گرچه وزیر فرهنگ نوید داده بود که ما درامانیم، ولی مگر گلوله دوست و دشمن می‌شناسد؟ می‌شنیدیم که شبها تا صبح میدان سرخ مملو از جمعیت است و دیدیم که

تانکها و سربازان در آن حوالی جمع‌اند. کتابخانه ملی لندن، بزرگترین کتابخانه شوروی در همان حوالی میدان سرخ قرار دارد. فکر می‌کردم آیا آتش‌سوزیهای وسط شهر به آنجا هم خواهد کشید؟ اما مردم بافرهنگتر از این بودند که ثروتهای ملی، کتابخانهها، بانکها، مغازهها، اتوبوسها و سایر وسایل نقلیه را به آتش بکشند. در محل کنفرانس هر صبح که کتابداران جمع می‌شدند بازار شایعه و حدسهای مختلف به راه بود. راهبندانها باعث شده بود که اکثراً افراد با تأخیر به محل کنفرانس برسند. آنها که مسیر را با مترو طی می‌کردند از این جهت در امان بودند و می‌توانستند به موقع حاضر شوند. به هر حال شور و هیجان به حدی بود که همه را دور هم جمع می‌کرد تا شاید یکی خبر تازه‌تری داشته باشد. افراد به محض ورود مشاهدات خود را برای دیگران تعریف می‌کردند. چه آنچه در طول راه دیده بودند و چه آنچه شب پیش با حضور در میدان سرخ رؤیت کرده بودند. از پایین کشیدن مجسمهها حرف می‌زدند و از خالی بودن مغازهها. ما متعجب بودیم که برگزارکنندگان ایفلا چگونه موفق می‌شوند برای این عده دوهزار نفری، غذا و نوشیدنی تهیه کنند. باز گردیم به بازدیدهای روزانه و میهمانیهای شبانه.

بازدیدها - میهمانیها، برنامههای تفریحی و فرهنگی و ملاحظات دیگر

در کنفرانس ایفلا رسم بر این است که در خلال برنامههای صبح و عصر بازدیدهایی از کتابخانههای معتبر ترتیب می‌دهند. گاه (بخصوص برای آنها که با زبان آشنایی کامل ندارند) این بازدیدها آموزنده‌تر از نشستن در جلسات کنفرانس است. دیدن کتابخانههای مختلف، شنیدن اظهارنظر کارکنان آنها و آشناسدن با شیوههای مختلف کتابداری، نحوه امانت کتاب، امانت و نگهداری نشریات ادواری، نظامهای مختلف رده‌بندی، نمایشسازی و فهرست‌نویسی، چگونگی جلوگیری از مفقودشدن کتاب، معماری کتابخانهها، انواع گوناگون قفسه‌بندی و اسباب و لوازم جدید از نکات بسیار ارزنده و

جالب کنفرانسهای ایفلاست. متأسفانه امسال به خاطر عضویت در کمیته نمایه‌سازی و رده‌بندی کمتر فرصت کردم در برنامه‌های بازدید از کتابخانه‌ها شرکت کنم. یک روز از ۶ روز کنفرانس ایفلا برای جلسات بسته اعضای کمیته‌های بخشها و هیأت اجرایی در نظر گرفته می‌شود و در آن روز برای بقیه شرکت‌کنندگان گشتهای کتابخانه یا مراکز فرهنگی یا بازدید از آثار تاریخی و مناظر طبیعی ترتیب داده می‌شود. در این روز نیز در محل کنفرانس مانند ما در جلسات بسته رده‌بندی و نمایه‌سازی حضور یابم. حتی برای دیدن کتابخانه لنین با یکی دوتن دیگر از همکاران ایرانی ناچار شدیم با استفاده از رابطه‌های شخصی روزی غیر از روز بازدید همگانی به کتابخانه راه بیابیم. من یک بار دیگر هم در بازگشت از سفر تاجیکستان، کتابخانه لنین را دیده بودم. ولی برای آشنایی با این گنجینه عظیم یک بار و دو بار کافی نیست. در جوار این کتابخانه، موزه کتاب خود بسیار بدیع و دیدنی است. تا به حال چنین ابتکاری در هیچ جای دیگر ندیده بودم. در این موزه مراجعه کننده با کتاب به عنوان مهمترین وسیله اطلاعاتی، اشاعه دانش، آموزش و پرورش و تربیت، و نیز مهمترین ابزار ارتباطی، کار و تلاش؛ و معتبرترین دستاورد تمدن بشری و بارزترین اثر در زمینه گرافیک و هنر تزئینی، آشنا می‌شود. علاوه بر کتاب بسیاری از موضوعهای مربوط به آفرینش کتاب نیز در اینجا به نمایش درآمده است. از جمله قلمها، مرکب‌دانها (دواتها)، انواع حروف دستی، ابزار حکاکی چوبی و فلزی، لوازم و امکانات جدید تکثیر و چاپ. این موزه در ۲۲ آوریل ۱۹۸۳ افتتاح شده و دارای ده بخش جداگانه به شرح زیر است:

- ۱- بخش مهمترین کتابهای جهان
- ۲- تحول کتاب از نظر شکل و مواد
- ۳- اختراع و اشاعه چاپ کتاب
- ۴- آغاز چاپ کتاب در مسکو و ایوان فیودوروف (Ivan Fyodorov)

- ۵- عناصر اصلی کتاب
- ۶- نگاهی به تاریخ فنون تصویر و تذهیب
- ۷- بهترین نمونه‌های هنر چاپ کتاب
- ۸- از دست‌نوشته تا چاپ کتاب
- ۹- تاریخ نشر یک کتاب مشهور
- ۱۰- چاپ کتاب دیروز، امروز و فردا (به وسیله اسلاید).

و نیز در همان محوطه، موزه کوچکی به نام موزه کتاب لنین و رومیانتسف وجود دارد که در آن تاریخ کتابخانه لنین و نیز کتابهایی که لنین در سالهای اول انقلاب به امانت گرفته و کتابهایی که به کتابخانه هدیه کرده است، و دفتر امانت سال ۱۸۹۳ که امضای لنین در مقابل کتابهایی که به امانت گرفته در آن ثبت است، به نمایش گذاشته می‌شود.

سه شبه شب بازدیدی از موزه پوشکین داشتیم و در ادامه آن وزیر فرهنگ روسیه شوروی دعوت به عمل آورده بود. محل مهمانی در همان موزه پوشکین بود. وزیر حضور نیافت و در مهمانی تقریباً هیچ چیز به جز چند شیشه آشامیدنی غیرالکلی و مقدار کمی بیسکویت که به زحمت کفاف جمعیت را می‌داد، وجود نداشت. این با تعریفهایی که ما قبلاً از مهماننوازیها و سفره‌های گسترده روسها شنیده بودیم مغایرت داشت. ما آن را به حساب حوادث اخیر گذاشتیم که حق نیز همین بود. حتی تهیه ساندویچ برای نهار و چای در طی روز می‌بایست با زحمت زیاد توأم بوده باشد. در واقع متحیر بودیم که غذا برای این جمعیت چگونه تامین می‌شود.

۲۱ اوت

چهارشنبه شب به دعوت دولت روسیه شوروی باید به کاخ کرملین می‌رفتیم. تا آخرین ساعات عصر فکر می‌کردیم این مهمانی متوقف شود،

هر لحظه منتظر آگهی تازمای بودیم. حدسهای مختلف دهان به دهان می‌گشت. کاخ کرملین در میدان سرخ در محاصره بود، چگونه می‌شد در آن مهمانی برگزار کرد؟ سرانجام اطلاع آمد که مهمانی برقرار است! ساعت شروع نیمساعت به جلو کشیده شده است و به همین ترتیب مهمانی نیمساعت زودتر تمام می‌شود. هفت تا نه. با اتوبوسهای مخصوص راهی کاخ کرملین شدیم. گروه ایرانی که انقلاب اخیر کشور خود را تجربه کرده بود اساساً خونسرد و خوددار به نظر می‌آمد. بسیاری از کتابداران کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای دیگری که همواره از آرامش نسبی برخوردار بوده‌اند به ندرت می‌توانستند اضطراب و دلهره خود را پنهان کنند. گفته بودند حتماً کارت دعوت را همراه و اسامی رسمی را بر سینه داشته باشیم. از اتوبوسها که پیاده شدیم جمعیت و تانکها و سربازها را می‌دیدیم. دو طرف راهی که به کاخ منتهی می‌شد سربازان مخصوص گارد ایستاده بودند، کارت‌های دعوت را می‌گرفتند و به درون هدایمان می‌کردند. مهمانی در سالن بزرگ مجلس برگزار می‌شد. فکر می‌کردیم وزیر فرهنگ خواهد آمد. اما به جای او فقط معاونش آمده بود. مردی کوتاه قد و خوش‌مشراب. میزها پر از میوه و شیرینی و ساندویچ و نوشابه‌های مختلف بود. روی سن رقصها و آوازهای محلی اجرا می‌شد. انگار نه انگار که در بیرون قریاد آزادی سرداده می‌شد، انقلاب‌گونه‌ای بود و کاخ در محاصره. در درون و بیرون کاخ هیچ گونه سختی وجود نداشت. فکر می‌کردم چطور این هنرمندان درحالی که از اوضاع و احوال کشورشان بااطلاعند می‌توانند به خاطر ما این لبخند معصومانه را روی لبهایشان حفظ کنند؟ برایشان متاثر شده بودم. در تمام مدت به تضاد درون و بیرون کاخ می‌اندیشیدم. اجناس روی میزها لحظاتی چند بیشتر نپاییدند. گاه و بیگاه دیدم که خود روسها شیشه‌ها را درون کیفهای سیاه خود جای می‌دهند. بیرون قحطی بود و احتمالاً قحطی و گرانی سخت‌تری آنها را تهدید می‌کرد. آنجا هم، دلار حکومت می‌کرد و نرخ آن نسبت به کمتر از

یک سال پیش که در مسکو بودم پنج برابر شده بود. از اینکه معاون وزیر آن قدر شاد و خندان و سرحال بود تعجب می‌کردم. رئیس ایفلا آقای گه پیام کوچکی فرستاد که به زحمت شنیده می‌شد ولی روز بعد در «ایفلا اکسپرس ۶» چاپ شد. او در پیام خود آرزو کرد که شوروی نسبت به گسترش دموکراسی وفادار بماند و آزادی مردم، آزادی عقیده و حقوق بشر را در تمام جمهوریها به رسمیت بشناسد. او گفت که ما کتابداران خارجی پشتیبان همکاران شوروی خود خواهیم بود و از صمیم قلب از مهماننوازی و پیوندهای دوستی بی‌شائبه آنان سپاسگزاریم. باشد که هدف ایفلا، یعنی تفاهم بین‌المللی و همکاری تنگاتنگ بین‌المللی در تمام زمینههای کتابداری از طرف اتحاد شوروی در زمان حال و سالهای آینده تقویت شود.

۲۲ اوت

پنجشنبه تقریباً مسلم شد که کودتا شکست خورده است. مهمانیهای شبانه با آرامش بیشتری برقرار شد. چندین کتابخانه مختلف شوروی به مناسبت ایفلا مهمانیهایی برای شرکت کنندگان ترتیب داده بودند. به همین دلیل افراد در گروههای مختلف تقسیم شدند و هر گروه در مهمانی یکی از کتابخانهها شرکت می‌کرد. باز هم کتابخانه لنین نصیب من شد. ویژگی بارز این مهمانیها آشنا شدن با کتابداران کتابخانههای دیگر و نویسندگان کتابها و مقالات کتابداری است. غالباً در مورد کتابخانه ملی و فعالیتهايش از من سوال می‌شد و من مسأله استقلال کتابخانه را عنوان می‌کردم، خجالتزدگی موقعی شروع می‌شد که مجموعه کتابخانه را می‌پرسیدند، ۳۵۰ هزار و یا به قول رئیس کتابخانه ۵۰۰ هزار کجا و ۸۰ میلیون کجا؟ این چندساله به سوال هر کس در مورد مجموعه پاسخ می‌دهم با ناباوری آنها روبرو می‌شوم. اکثراً نمی‌توانند قلت مجموعه را با گذشته غنی ادبی و علمی ایران پیوند بدهند. گذشته کتابخانه ملی هیچ چیز برای تفاخر ندارد. هر ساله ناچارم تحقیقات انجام شده

در زمینه کتابداری ایرانی و در رأس همه انتشار کتابشناسی ملی بر مبنای ضوابط و استانداردهای بین‌المللی را توضیح بدهم. سئوالها همیشه معلوم است. وضع سانسور در کتابخانه‌ها چگونه است؟ کتابخانه‌های عمومی در چه حالتند؟ آموزش کتابداری در چه حدی است؟ مدیران کتابخانه‌ها چه کسانی هستند؟ آیا بودجه کتابخانه‌ها کافی است؟ کتابخانه ملی چه وظایفی را به عهده دارد؟ وضع نشر کتاب در چه حال است؟ درصد بیسوادی چیست؟ آیا کتابخانه‌های عمومی در آموزش سالمندان فعالیت دارند؟ پروژه کتابخانه ملی پهلوی به کجا انجامید؟ و دهها سؤال دیگر نظیر اینها بر سر و روی آدم می‌ریزد. چقدر می‌توان طفره رفت؟ چقدر می‌شود با سیاست‌مآبی به سئوالها جواب داد؟ خداوند گناهان ما را ببخشد!

۲۳ اوت

روز جمعه همه به علت شکست کودتا خوشحال به نظر می‌رسیدند. راه‌بندانها از بین رفته بود، برخی مجسمه‌ها از جا کنده شده بود، مقبره لنین که همیشه به روی بازدید کنندگان باز بود کاملاً بسته شده بود. دیگر از مردمی که برای گذشتن از کنار جنازه مومیایی شده لنین در صفهای طولانی انتظار می‌کشیدند خبری نبود. میدان سرخ کاملاً خلوت بود.

ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر جلسه عمومی اختتامیه بود. معمولاً جلسات خوبی است، شامل یک جمع‌بندی کلی، طرح مسایل اصلی برای سال بعد، تصمیمهای گرفته‌شده در هیأت اجرایی، تشکر از مهمانداران، دادن جوایز و هدایا... و خداحافظی که معمولاً با یک مهمانی ایستاده و پذیرایی مختصر همراه است. سرسرای بزرگی که قبلاً با پاراوانهای مخصوص تقسیم‌بندی شده و به امور مختلف تخصیص داده شده بود، اکنون خالی و در انتظار مهمانی اختتامیه به سر می‌برد. این تغییر ناگهانی توجه همگی را جلب می‌کرد. افراد غالباً به محض ورود مکث کوتاهی می‌کردند و نگاهی به اطراف می‌انداختند و

بعد راهی تالار اجتماعات می‌شدند. حوالی ساعت ۲ بعدازظهر تقریباً همه رسیده بودند. هیأت اجرایی پشت میز مخصوص رو به جمعیت قرار گرفتند و ناگهان دیدم که گوبنکو، وزیر فرهنگ نیز، که در تمام مدت کودتا پیدایش نشده بود پشت تریبون قرار گرفت. به زبان روسی سخن می‌گفت، ولی ما با گوشیهای مخصوص به ترجمه همزمان حرفهایش گوش می‌دادیم. به طور رسمی شکست کودتا را اعلام کرد و در مورد علت عدم حضور خود در جلسات و مهمانیها گفت که چون نمی‌خواست با کودتاچیان همکاری کند استعفا کرده و در خانه مانده است. ابراز احساسات جمعیت به خاطر بیان این نکته غیرقابل وصف است. صدای دست زدن حاضران حدود پنج دقیقه فضای تالار را پر کرد. برخلاف روزهای پرتشنج گذشته امروز محیط گرمتر و شادتر بود. با همکاران روسی که حرف می‌زدیم راحت‌تر پذیرا می‌شدیم. با وجود این مثل زخمی که تازه باشد هنوز نمی‌دانستند درد خواهند داشت یا نه. همه، یا لاقلاً با آنها که برخورد داشتیم از بدست آوردن آزادی ابراز خوشحالی می‌کردند ولی عده‌ای نیز از آینده اندیشناک بودند و می‌گفتند احتمالاً روزهای سختی را در پیش خواهند داشت.

بهرحال سخنرانیها، معرفیها و جمع‌بندیها به پایان رسید. رئیس جدید ایفلا که از سال آینده باید زمام امور را به دست گیرد نیز سخنرانی مختصری کرد. او، رابرت وجورث (Rebert Wedgeworth) یک سیاهپوست آمریکایی است. قبلاً معاون ایفلا بود و از آنجا که دوره ریاست آقای گِگ به پایان می‌رسید، رای عمومی گرفته شد و ایشان با اکثریت آرا به ریاست ایفلا انتخاب شدند. آقای گِگ حاضران را به مهمانی عصرانه دعوت کرد. در مهمانی برخلاف همیشه بیشتر صحبت در باره اوضاع روسیه شوروی بود تا مسایل حرفه‌ای کتابداری.

وقوع کودتا در چنین کشوری آن هم در حین برگزاری ایفلا برای شرکت کنندگان واقعه‌ای فراموش نشدنی است. در سه روزی که کودتا برقرار

بود و گورباچف در محاصره، هیچ کتابداری را ندیدم که برای گورباچف و یارانش نگران و مضطرب نباشد. آنها، نه برای شخص او بلکه برای برقراری آزادی، برای عدالت و برای انسانیت دعا می‌کردند. باز هم به زمینه موضوعی ایفلا ۱۹۹۰ می‌اندیشیدم: ارتباط متقابل کتابخانه‌ها و فرهنگ. کشوری که دارای ۱۱۰ هزار کتابخانه عمومی و ۱۳۰ هزار کتابخانه آموزشگاهی است و توانسته است با ارائه خدمات بسیار ارزنده عادت کتابخوانی را به درستی در مردم کشورش ایجاد نماید، چگونه با کودتا برخورد خواهد کرد؟ کودتا بالنسبه آرام برگزار شد. مردم بسیار مسئولانه عمل کردند. سربازها عمداً به کسی شلیک نکردند. سه نفری که در این حوادث کشته شدند ظاهراً بیشتر تصادفی بوده است، گرچه که همه حاضر بودند جان خود را در راه آزادی فدا کنند و به همین منظور حدود هفتاد و چند ساعت، شب و روز پاسداری دادند و صحنه را ترک نکردند و بدون وقفه از گورباچف که در محاصره عوامل کودتاچیان بود محافظت کردند، تا اینکه تانکها راه را کج کردند و به لانه‌های خود بازگشتند و نوید پیروزی سرداده شد.

به هرتقدیر ایفلا مسکو پایان خوشی داشت. چنین موقعیتی که آدمی در قلب حوادث قرار گیرد برای کتابداران کم رخ می‌دهد، زیرا که آنها معمولاً با سوابق امر کار دارند. این بار کتابداران با مشتی از خاطرات زنده به کشورهای خود بازمی‌گشتند. خاطراتی که خواه و ناخواه مسایل حرفه‌ای ایفلا را تحت‌الشعاع قرار داده بود. مسلماً شجاعت و شهامت مردمی که راه را بر تانکها بستند و برخی جان خود را بر سر آن گذاشتند ایفلا ۱۹۹۱ را به تجربه‌ای فراموش‌نشدنی تبدیل کرد. تا مدتها محل کشته شدن سه شهروند کشور شوراها غرق در گل بود.